سیدخلیل الله هاشمیان ۱۳ جون ۲۰۱۶

عجله در اظهار نظر ها

هموطنی باتخلص(روان)که اولین باربا نام این محترم شناخت حاصل شده است، درمقالهٔ اش که در پورتال افغان – جرمن آنلاین نشر شده، خبرداد که شخصی بنام وحیدالله وحید که درموسسه ملل متحد درنیویارک کارمیکند، توسط نامه ای که به یونسکو نوشته است، از ثبت وتسجیل اثرمعروف مولانا جلال الدین بلخی (مثنوی معنوی) توسط ایران وترکیه در یونسکو جلوگیری کرده است. یکعده وطندوستان وقلمبدستان محترم افغان (عبدالله شکاک صاحب، غلام حضرت صاحب، جلال صاحب و عدهٔ دیگر)، درتحت عواطف وطندوستی و دفاع از آثار فرهنگی افغانستان، اما بدون آنکه تحقیق و تدقیق کند که:

- **آیا دولتهای ایران وترکیه تقاضای خود را برای ثبت (مثنوی معنوی) به یونسکو ارسال کرده اند ؟**
- **آیا موسسه بین المللی یونسکو که افغانستان نیز عضویت آنرا دارد، از وصول تقاضای دولتهای ایران و ترکیه خبری نشر کرده است ؟**

آیا یونسکو به اساس نامهٔ یک شخص افغان تبار که هیچ صلاحیت و ماموریتی از جانب دولت افغانستان ندارد، میتواند تقاضای دو دولت عضو خود را مسترد کند؟

مقالاتی نوشتند وازینکه یونسکو باثر تقاضای یک شخص، تقاضای دو دولت عضو خودرا رد کرده، اظهار خورسندی نمودند. باید ملتفت بود که (الف) یونسکو مولانا جلال الدین بلخی را میشناسد که درافغانستان تولد شده بود – (ب) یونسکو خبر دارد که مثنوی در کجا نوشته شده است (ترکیه) – (ج) یونسکو میداند که مثنوی بزبان دری/فارسی نوشته شده و این زبان زبان رسمی کشورهای افغانستان، ایران وتاجکستان میباشد. آیا یونسکو همه ملاحظات فوق را نادیده گرفته، نامهٔ یک شخص غیر مسئول را مدار اعتبار قرار میدهد؟

اکنون بیائید ببینیم آقای وحیدالله وحید کیست ؟ آقای وحیدالله وحید شاگرد من بود و از دپارتمنت انگلیسی پوهنځی ادبیات درسال اخیر دورهٔ خلقی فارغ شده است. او یک محصل لایق بود، اما پرچمی. آقای وحیدالله برادرزادهٔ بارق شفیعی میباشد وهمینکه حکومت پرچمی ببرک کارمل رویکار آمد، بحیث معاون بریالی (برادرببرک) درشعبهٔ فرهنگی وزارت خارجه کار میکرد و درجملهٔ پرچمیهای معتبر بود که نه تنها تفنگچه داشت، بلکه با موتر و بادیگارد مسلح اینطرف و آنطرف میدوید، چون انگلیسی یاد داشت، او و بریالی نشرات (کابل تایمز) را نیز مراقبت میکردند- من در اخیر فروری 1980 ازکابل فرارکردم و این مسایل تا آنزمان زیرنظر من گذشته است. آقای وحیدالله بحیث یک عضو مهم حزب پرچم تا آخر بحیث یک شخص با صلاحیت با آن رژیم کارمیکرد ووزیر خارجه پرچم، آقای وکیل، اورا در اواخراقتدار رژیم بحیث عضو نماینده گی افغانستان در ملل متحد مقررنمود. اینقدر میدانم که آقای وحیدالله دپلوم ماستری را در امریکا بدست آورده است، اما ازدپلوم داکتری او خبرندارم ومشکوک است – آقای وحیدالله بعد از سقوط رژیم پرچم، برای خود درموسسهٔ ملل متحد وظیفه ای پیدا کرد که تا حال بحیث مامور ملل متحد کار میکند و دارای چند عمارت و ثروت کافی در نیویارک میباشد.

یک خصلت معلوم آقای وحیدالله وحید کلانکاری و خودنمایی است : او چند بار نزد پادشاه سابق افغانستان به روم رفت واز بیانات و نوشته های او شنیده وخوانده شده که پلان سه فقره ای پادشاه سابق را او برای پادشاه سابق

افغان جرمن آنلاین په درنښت تلسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ساخته بود. او بحیث مامور ملل متحد با تنظیمها نیز روابط نزدیک داشت و برای هرکدام مشوره میداد. اینکه او به موسسهٔ یونسکو برای جلوگیری از ثبت (مثنوی معنوی) نامه ای نوشته، درین باره هیچ شک وشبهه ای وجود ندارد ، چونکه این نوع خود نمایی ها جزء خصلت اوست – اما اینکه او صلاحیت دولت افغانستان را بدست خود گرفته و این اقدام را کرده است، طبعا یونسکو بچنین تقاضایی ترتیب اثر نداده و داده نمیتواند، زیرا دولت افغانستان بحیث یک دولت مستقل و عضو یونسکو وجود داشته وحقوق آن پیرامون آثار فرهنگی افغانستان و منطقه نزد یونسکو محفوظ ومعتبر میباشد.

اگرچه وزارت اطلاعات وفرهنگ افغانستان ، مجلس سنای افغانستان و بعضی جراید کابل درزمینه چیزهایی گفته اند، اما دلیل اینکه وزرات اطلاعات و فرهنگ رسما در زمینه اعتراضی به یونسکو روان نکرده، دلیل آن این خواهد بود که "آب را نادیده، موزه را از پا نکشیده است"، یعنی تا کنون شاید رسما بدولت افغانستان اطلاعی از یونسکو نرسیده که گویا ایران و ترکیه چنین تقاضایی کرده باشند، و درغیاب چنین اطلاع رسمی، بالای دو دولت دوست ومسلمان اعتراض کردن و آنها را خفه ساختن، کار معقول نخواهد بود . فرض کنیم تقاضای دو دولت مذکور به یونسکو رسیده باشد، رسیدن یک تقاضا معنی قبول شدن آنرا ندارد، یونسکو قبل از قبول کردن یک تقاضا که پای سه دولت عضو در آن شامل باشد، بالای آن تقاضا غور میکند ونظرخود را بهر سه دولت میرساند. در آنوقت است که افغانستان ارحق خود دفاع کرده میتواند.

اکنون برمیگردیدم بالای حق بجانب بودن سه دولت بالای ملکیت (مثنوی معنوی):

درست است که حضرت مولانا در بلخ بامی تولد شده است ، اما او درطفولیت که خودش اراده نداشته، به ارادهٔ پدرخود از افغانستان برون رفته و باردیگر هیچگاه به افغانستان برنگشته است. افغانستان مستحق زادگاه مولانا است.

حضرت مولانا عمر و آثار خود را در ترکیه گذشتانده و (مثنوی معنوی) وسآیرآثار خودرا همانجا نوشته است . ترکیه مستحق تولید وخلقت آثار مولانا درخاک خود میباشد.

ایران فقط خود را مستحق زبان آثار مولانا میشناسد، زبانیکه به سه کشور منطقه وهمسایه تعلق دارد. اینکه ایران (مثنوی) را درخاک خود چاپ کرده، مستحق میراث آن شده نمیتواند. مناسبات ایران وترکیه چندان خوب نبوده ونیست و ترکیه ابدا ادعای ایران را بالای (مثنوی معنوی) برسمیت نمیشناسد.

این دعوی جنبهٔ حقوقی دارد که هرگاه مطرح شود شاید توسط حقوق دانها و فرهنگیان معروف منطقه بین ترکیه و افغانستان ، یکی یا هردو را ذیحق بشمارند- لهذا اکنون وظیفهٔ وزارت اطلاعات وفرهنگ است که خود را برای مواجه شدن بیک محکمهٔ بین المللی آماده سازد.

دراخیر باید متصدیان محترم پورتال وزین افغان –جرمن آنلاین را نیز بمسئولیت شان متوجه بسازم که وقتی یک مقاله را نشرمیکنند که جنجال بین سه مملکت را در برمیداشته باشد، باید اقلا یک تبصره در ذیل آن مقاله اضافه کنند که این ادعا رسمیت نداشته و قابل تحقیق میباشد. با عرض احترام .

سیدخلیل الله هاشمیان – 13 جون 2016

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ